

«هلال»، شاعری از دیار کاشان

لطیفه لطفی

مقدمه

نسخه‌های خطی، بخشی از میراث فرهنگی یک جامعه و به منزله‌شناسنامه فرهنگی، تاریخی، ادبی و قومی یک ملت است. این نسخه‌ها آثار به جا مانده بزرگانی است که در زمانه خویش، کم‌ترین امکانات و تحمل مشقت فراوان، به گشودن درهای علم و دانش می‌پرداختند تا حاصل عمر خویش را به منظور ترسیم مسیر صحیح برای آینده‌ای تابناک، بدون هیچ چشمداشتی، در اختیار آیندگان بگذارند؛ از این رو مرمت و تصحیح این آثار، ارج نهادن به هویت علمی و فرهنگی این مرز و بوم و نمایاندن عظمت روح بزرگانی است که قرن‌هاست دامن از هستی خویش برچیده‌اند، اما بهار اندیشه‌شان در لابه‌لای برگ‌های خزان زده نسخه‌های خطی، برجای مانده است.

بسیاری از این آثار تاکنون ناشناخته مانده‌اند، اما از آنجا که رشد و تعالی هر جامعه‌ای در گرو آگاهی از پیشینه تاریخ تمدن آن جامعه و دریافتن نقاط قوت و ضعف خویش و در نتیجه، تقویت نقاط قوت و اجتناب از نقاط ضعف است، فرزندان هر جامعه‌ای، با تصحیح و احیای این میراث مکتوب، سبب آشنایی نسل حاضر و آیندگان با هویت ادبی و فرهنگی جامعه شده، مانع نابودی این آثار ارزشمند در گذر زمان می‌شوند. در این مقاله، نسخه خطی دیوان اشعار «هلال کاشانی»، به نام «شگرف‌نامه» بررسی می‌شود. این اثر که تاکنون تصحیح نشده، از آثار مکتوب قرن سیزدهم و دوره سلطنت قاجاریه است. تصحیح این نسخه می‌تواند علاوه بر شناساندن زوایای گوناگون زندگی و اثر شاعری که تاکنون ناشناخته مانده است، ما را با ادبیات و ویژگی‌های زبانی و سبکی دوره بازگشت - که سبک سراینده این اثر است - آشنا سازد.

معرفی هلال کاشانی

با وجود جست‌وجوهای نگارنده درباره زندگی‌نامه و شرح حال این شاعر، اطاعات خاصی به دست نیامد، اما در دو کتاب ارزشمند الذریعه^۱ و فرهنگ سخنوران^۲ نام وی آمده است. مؤلفان کتاب‌های مدایح معتمدی و حدیقه الشعراء نیز به اختصار وی را معرفی نموده‌اند.

با توجه به اطلاعات به دست آمده از منابع، اشاره‌ای که شاعر در دیباچه اثرش به شرح حال خویش نموده و آنچه از خلال اشعارش به دست می‌آید، می‌توان «هلال» را این گونه معرفی نمود:

میرزا ابوطالب کاشانی، فرزند حاجی سید محمدباقر تهرانی، متخلص به هلال، شاعر قرن سیزدهم هجری و از سادات عظیم‌الشأن و فضایل اهل کاشان است. وی پس از تحصیل مقدماتی، به تکمیل علوم و فضایل خویش در رشته‌های مختلف پرداخته، از انواع علوم بهره‌ای بسزا می‌یابد. هلال، شاعری شیعه و ارادتمند به خاندان عصمت و طهارت است.

صاحب حدیقه الشعراء، ضمن اشاره به سیادت «هلال»، چنین می‌گوید: «از انواع علوم بهره‌ای به کمال داشته و طلاب هر قسم، از خدمتش استفاضه می‌کرده‌اند و همانا جنبه حکمت و عرفان ایشان غالب بوده که علمای ظاهر، رشک می‌برده‌اند.»^۳

«هلال» از شاعری و سخنمندی بهره کامل و در سرودن شعر، طبعی روان دارد. تسلط او بر الفاظ باعث شده کلمات را فخیم و فاخر انتخاب کند و در نشانیدن هر کلمه به جای خود، توانایی‌اش را ظاهر سازد. اشعارش استادانه و دارای بلاغت است. نثرش هم که دیباچه، نمونه آن است، فصیح و روان و نشانه فضل اوست. او خود را «شیرازه‌بند دفتر حیرانی و ترانه‌سنج نغمه بی‌سامانی و قافیه‌پرداز دیوان سخنمندی» معرفی می‌کند.^۴ لطافت طبع، قدرت بیان، فصاحت کلام و بلاغت گفتار «هلال» را از مطالعه اشعار وی می‌توان دریافت.

در تذکره مدایح معتمدی، در معرفی وی چنین آمده است: «فلک فصاحت را بدر و ماه بلاغت را لیل القدر. آفتابی است که از خط شعاع خامه‌اش بر سپهر صفحه عقد پروین ریزد و شهابی است که از شعله طبع روشنش، دیو جهل به هزار ساله راه گریزد. شعرش روشن‌تر از شعرای یمانی و نثرش نیکوتر از بهشت جاودانی.»^۵

وی در سال ۱۲۵۰ هجری، برای مدتی محل تولد و زندگی خود را ترک کرده، عازم اصفهان می‌شود و در آن شهر اقامت می‌گزیند. در اصفهان مدتی با اعیان و اشراف نشست و برخاست می‌کند، تا اینکه به خدمت حجة الاسلام حاجی سید محمدباقر شفتی که از مراجع تقلید و علمای بنام آن دوره بود، نایل می‌گردد و به اشاره حجة الاسلام، در مسجد زیبایی که به همت و هزینه وی ساخته شده بود، اقامت

۱. تهران، محمدحسن [آقا بزرگ]، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۹ بیروت: دارالضواء، ص ۱۲۹۴.

۲. خیام پور، عبدالرسول، فرهنگ سخنوران، تهران: طلایه، ۱۳۷۲، ص ۱۰۰۰.

۳. دیوان بیگی، سید احمد، حدیقه الشعراء، تصحیح عبدالحسین نوانی، تهران: زرین، ۱۳۶۶، ص ۲۰۸۱.

۴. دیباچه دیوان هلال، ص ۳.

۵. مذهب اصفهانی [بهار]، میرزا محمدعلی، مدایح معتمدیه، نسخه خطی به شماره ۷۶۷۳.

می‌گزیند^۱. هلال پس از شش سال اقامت در اصفهان، دوباره به زادگاه خویش، کاشان، بازمی‌گردد. وی دلیل بازگشت خود را حبّ وطن عنوان نموده، چنین می‌گوید: «سرانجام که هوای وطن مألوف به مضمون «حُبّ الوطن منّ الايمان» به سرم افتاد، رخصت معاودت حاصل نمودم.»^۲

شاعر پیش از بازگشت به کاشان، بنا به درخواست حجة الاسلام شفتی، مبادرت به تدوین دیوان خویش می‌نماید: «به فرمایش سرکار شریعت‌مدار، آنچه قصاید و مثنوی و قطعات و غزلیات و متفرقه که در مدّت مذکور، در توحید و نعت و منقبت و مدایح ایشان عرض شده بود، در این کتاب جمع کردم و چند قصیده دیگر هم که در مدح پادشاه جم‌جاه حضرت ظلّ الله گفته شده بود، بر آن ضم نمودم و به شگرف‌نامه مسما کردم.»^۳ شاعر در دیباچه اشاره نموده که ابتدا «مفتون» تخلص می‌کرده و سپس «هلال» را برگزیده است. با استناد به این مطلب، و با توجه به اینکه اشعار دیوان حاضر، همه با تخلص «هلال» است، وی می‌باید علاوه بر شگرف‌نامه، اثر یا آثار دیگری با تخلص «مفتون» داشته باشد، اما جست‌وجوهای نگارنده برای دستیابی به دیگر آثار وی، به نتیجه‌ای نرسید.

از زندگی خصوصی و همسر و فرزند «هلال»، اطلاعی در دست نیست. شاعر هم در دیوان خود اشاره‌ای به این موضوع نکرده است. همچنین از مدت عمر و تاریخ وفات وی اطلاعی حاصل نشد. در واقع او یکی از شعرای گمنام قرن سیزدهم هجری است که نام و معرفی مختصر وی، به‌جز مواردی که ذکر آن گذشت، در جایی نیامده است.^۴

معرفی نسخه

تنها نسخه موجود از این اثر به شماره ۹۶۵۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود که کتابی کم حجم در اندازه ۱۳×۲۱ س، با جلد تیماج یشمی شامل ۶۷ برگ و ۱۳۴ صفحه است. کاغذ نسخه، نخودی رنگ و آهارمهره است و هر صفحه به طور متوسط دارای ۱۱ سطر است که به خط نستعلیق و با مرکب مشکی نوشته شده. سرفصل‌ها و نشان‌ها شنگرف است و صفحات «رکابه نویسی»^۵ شده است.

۱. معروف است. ۶. این مسجد به نام «مسجد سید»

۲. دیباچه دیوان هلال، ج ۴.

۳. همان.

۴. مؤلف تذکره بزرگان کاشان، در معرفی «هلال» به مطالب حدیقه الشعراء استناد نموده است. رک عاطفی، افشین، بزرگان کاشان، قم: فق فردا، ۱۳۸۱، ص ۲۳۰ - ۲۳۱.

۵. رکابه، مأخوذ است از رکاب (حلقه مانندی از فلز که در دو طرف زین مرکوب آویزند، و به هنگام سواری، پای در آن کنند.) به‌علاوه «های» اسمی، که در عرف نسخه‌نویسی به اولین کلمه از نخستین سطر صفحه سمت چپ گفته می‌شود که در کناره سمت چپ و در زیر آخرین کلمه از آخرین سطر صفحه سمت راست کتابت شده باشد. رکابه نویسی از آداب رایج در نسخه‌نویسی و کتابت بوده و نقش صفحه‌شمار را بر عهده داشته است. ر. ک: مایل هروی، نجیب، تاریخ نسخه‌برداری و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۴.

هلال، شاعری از دیار کاشان / لطیفه لطفی

نسخه علاوه بر رکابه، دارای صفحه شمار است و صفحه‌شمار فقط در صفحه‌های سمت چپ، رقم خورده است. روی صفحه داخلی جلد کتاب، برچسب قدیمی کتابخانه مجلس شورای ملی با آرم شیر و خورشید نصب شده که روی آن شناسنامه کتاب، شامل عنوان کتاب، نام مؤلف، شماره ثبت کتاب (۸۵۶۱۵) و شماره قفسه (۹۶۵۷) ثبت شده است. «در اول نسخه، مهر بیضوی به سجع: «عبداله راجی محمدباقر بن محمد جعفر الموسوی ۱۳۰۹» و توضیحی درباره نسخه به قلم مالک قبلی آن (باستانی راد) [دیده می‌شود.]»^۱ تفاوت رنگ و نوع کاغذ برگ اول نسخه که در آن توضیحاتی راجع به شاعر و دیوان وی داده شده، نشان می‌دهد که برگ مذکور در زمان مرمت، به نسخه الحاق شده است. با توجه به مشابهت خط نسخه با توضیح ابتدای نسخه این احتمال بعید نیست که کاتب نسخه، خود یادداشت مربوط به شرح حال هلال کاشانی را تحقیق و کتابت کرده باشد.

در صفحه ۱۰۱ و ۱۰۲ نسخه، سروده بدون عنوانی دیده می‌شود که با قلمی متفاوت از رسم الخط نسخه کتابت شده و به نظر می‌رسد کاتب آن غیر از کاتب متن اصلی بوده است. در برخی صفحات، شاعر بیتی را به ابیات صفحه افزوده و آن را در حاشیه آورده یا مصراعی را اصلاح نموده و کلمه جدیدی را جایگزین کلمه قبل کرده است. معنی بعضی کلمات، در حاشیه یا بالای کلمه مورد نظر نوشته شده است. در برخی صفحات نیز توضیحات مختصری در حاشیه نوشته شده که به نظر می‌رسد موارد مذکور، به کوشش صاحب قبلی این نسخه بوده است.

با توجه به اینکه در چهار مورد کلمه یادداشت رکابه با کلمه آغاز صفحه بعد هماهنگی ندارد، به احتمال زیاد برگ یا برگ‌هایی از نسخه افتاده و نسخه در آن موضع ناقص است. به علاوه یادداشت ابتدای دیوان که تعداد ابیات شگرف‌نامه را نزدیک به ۱۳۵۰ بیت قید نموده، اما از آن تعداد ۱۱۵۰ بیت موجود است، احتمال افتادگی صفحات را تقویت می‌کند.

ویژگی‌های رسم الخطی

۱. در تمام نسخه حرف «گ» با یک سر کج و همانند «ک» نوشته شده است: (کران=گران)، (کلاب=گلاب)، (کوی=گوی)، (چوکان=چوگان).
۲. ضمیر «تو» در اتصال به حرف نشانه «را» و یا فعل ربطی «است» بدون «واو» آمده است: (ترا=تو را)، (تست=توست).
۳. در کلمات مختوم به «های ناملفوظ» نشانه اضافه، (ی) نکره و صیغه مخاطب مفرد ماضی نقلی، هر سه به یک شکل و به صورت همزه (ء) آمده است: (نعمه=نغمه)، (نمونه=نمونه‌ای)، (نشسته=نشسته‌ای).
۴. در تمام موارد، حرف اضافه «به» به متمم خود متصل شده است.

۱. حافظیان بابلی، ابوالفضل، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸، ص ۳۸.

۵. در مواردی از املاهای عربی کلمات استفاده شده است: مله، جهه، حکمه.
۶. حرف نشانه «را» به کلمه قبل خود متصل شده است: امکانرا، ایوانرا، کیوانرا.
۷. در اکثر موارد همزه آغازین فعل «است» حذف شده است: زمانست (زمان است)، بهشتست (بهشت است).
۸. در تمام موارد «می» استمراری، متصل به فعل آمده است.

شیوه تصحیح

از آنجا که نسخه حاضر، نسخه‌ای منحصر به فرد است و نسخه دیگری از آن در دست نیست، روش تصحیح، قیاسی است. تصحیح این نسخه بر اساس مقاله محمود نظری در کتاب مجموعه مقالات روش تصحیح متون انجام گرفته است.^۱

مراحل تصحیح این نسخه عبارت است از:

۱. باز خوانی و استنساخ نسخه.
۲. باز نویسی متن نسخه جهت سهولت در خواندن، با استفاده از قواعد نوشتاری کتاب دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۳. مرتب کردن سروده‌های دیوان بر اساس قالب‌های شعری (مثنوی‌ها، قصاید، غزلیات و قطعات)، با وجود عدم رعایت ترتیب منطقی این قالب‌ها در متن نسخه.
۴. افزودن عنوان به شعرهای بدون عنوان که شامل ۴ قصیده، ۲ قطعه و یک مثنوی بود، با توجه به محتوای سروده و آوردن آن میان دو قلاب.
۵. آوردن کلمات افتاده متن در میان دو قلاب.
۶. افزودن کلمه یا حرفی به متن در برخی ابیات بنا به ضرورت و آوردن آن میان دو قلاب.
۷. رعایت علائم نگارشی.
۸. تصحیح مواردی که جزء پیشین فعل، به صورت منفصل درج شده بود.
(نه پیچد=نپیچد)، (به ببند=بببند)، (نه خوردی=نخوردی)، (نه بردی=نبردی).
۹. انفصال حرف اضافه «به» از متمم آن:
(بکف=به کف)، (بعهد=به عهد)، (بنعمت=به نعمت)، (ببوستان=به بوستان).
۱۰. جدانویسی «می» استمراری از فعل:
(میسزد=می سزد)، (میبرد=می برد)، (میرسد=می رسد)، (می رود=می رود).
۱۱. اصلاح سهوالقلم‌ها و آوردن صورت اصلاح نشده آن در پانویس با علامت (نسخه:...) .
۱۲. آوردن همزه «است» به شکل کامل آن در مواردی که حذف شده بود.

۱. نظری، محمود، مجموعه مقالات روش تصحیح متون، مقدمه عمید زنجانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، ص ۲۷۶ - ۲۸۷.

۱۳. انفصال ضمیر شخصی «تو» از حرف نشانه «را»: (ترا=تو را).
۱۴. برگرداندن املای عربی کلمات به فارسی:
(حکمة=حکمت)، (ملة=ملت)، (جهة=جهت).
۱۵. جدا کردن قالب مثنوی و غزل از یکدیگر در سروده‌ای با عنوان «در تعریف خوبان» و قرار دادن هر کدام در قسمت قالب مربوطه با همان عنوان.
۱۶. اصلاح رسم الخط کلمات مختوم به «های ناملفوظ» که نشانه اضافه، (ی) نکره و صیغه مفرد مخاطب ماضی نقلی، هر سه به یک شکل نوشته شده بود. به صورت امروزی آنها:
- (ة=یای نکره: (نکته=نکته‌ای)، (نغمه=نغمه‌ای).
- (ة=صیغه مفرد مخاطب ماضی نقلی(ای): (شکسته=شکسته‌ای)، (گسسته=گسسته‌ای).
۱۷. آوردن صورت اصلاح شده کلمه یا کلماتی که شاعر آن‌ها را در متن نسخه اصلاح کرده بود و اشاره به شکل اصلاح نشده کلمه، با حرف رمزپ ا = پیش از اصلاح در پانوش.

فهرست مندرجات «شگرف‌نامه»

- «شگرف‌نامه» مشتمل بر یک دیباچه به نثر مسجع و ۱۱۵۰ بیت شعر در قالب ۳۴ سروده به قرار ذیل است:
- ۱۳ قصیده، شامل ۵۴۲ بیت.
 - ۱۲ مثنوی، شامل ۴۲۹ بیت.
 - ۵ قطعه، شامل ۱۲۶ بیت.
 - ۳ غزل شامل ۵۱ بیت، و یک رباعی است.

ویژگی‌های سبکی نسخه

بررسی ویژگی‌های سبکی این دیوان در سه سطح زبانی (آوایی، لغوی، نحوی) فکری و ادبی، بر اساس تقسیم‌بندی کتاب کلیات سبک‌شناسی دکتر شمیسا صورت پذیرفته است:

۱. سطح زبانی یک اثر به دلیل گسترده بودن آن به سه مقوله کوچک‌تر: آوایی، لغوی و نحوی تقسیم می‌شود:

الف- مختصات آوایی: در این سطح ابتدا به موسیقی بیرونی سروده‌ها که شامل وزن، قافیه و ردیف است پرداخته شده؛ سپس دیگر مختصات آوایی شامل: الف اطلاق، تلفظ کهن واژگان، تشدید مخفف، تخفیف مشدد، اشباع واو معدوله، تخفیف کلمات و... بررسی گردیده است.

ب- مختصات لغوی: استعمال لغات پهلوی، استعمال لغات مهجور فارسی، استفاده از برخی لغات عربی به جای فارسی معمول، استعمال لغات فارسی قدیم، استفاده از لغات در معانی خاص، معانی مختلف حروف اضافه، و...

ج- مختصات نحوی: آوردن واو عطف در آغاز کلام، جمع بستن کلمات عربی با نشانه‌های جمع فارسی، استفاده از «مر» تأکید مفعولی، استفاده از «ی» ملاحظت، فاصله افتادن میان اجزای فعل، استفاده از افعال پیشوندی، استفاده از «همی» به جای «می» در مضارع اخباری، فاصله انداختن میان «همی» و فعل، استفاده از دو نشانه استمراری در یک فعل، به کار بردن فعل امر بدون «ب»، به کار بردن فعل‌های مضارع بدون «می» و «ب»، استفاده از اصوات (شبه جمله)، آوردن «ب» تأکید بر سر فعل و...

۲. **سطح فکری:** هلال شاعری است مذهبی و مدیحه‌سرا. بخشی از اشعار او در توحید، نعت پیامبر(ص) و منقبت حضرت علی(ع) است و قسمت عمده اشعارش را سروده‌های مدحی تشکیل می‌دهد. او مدیحه‌سرایی را به حد اعلای مبالغه و اغراق رسانیده است. اکثر مضامین مدایح او فاقد نوآوری و تکرار مضامین پیشینیان است. وی اشعار فرح‌انگیزی نیز در وصف بهار و وصف معشوق دارد که حکایت از طبیعت‌گرایی و روحیه خوش‌باشی شاعر دارد. در مثنوی کوتاهی به ستایش خرد نیز پرداخته است. توجه به حماسه ملی ایران، از دیگر مختصات فکری اوست. به عقیده او، مروارید از قطره آب به وجود می‌آید، جمشید، همان سلیمان نبی (ع) است و اسکندر در جست‌وجوی آب حیات بوده است.

۳) سطح ادبی

شاعر در دیوان خود از انواع آرایه‌های ادبی استفاده نموده است. تشبیه، استعاره، تلمیح و اشاره، تضاد و طباق، مراعات نظیر، انواع جناس، موازنه، ترصیح، واج آرایی، کنایه، تنسیق الصفات و لف و نشر، مهم‌ترین آرایه‌های لفظی و معنوی هستند که شاعر از آن‌ها بهره برده است. مهارت شاعر در نحوه به کارگیری هر یک از شیوه‌های بیانی و آرایه‌های ادبی، چشمگیر و تحسین برانگیز است. برخی از آرایه‌های ادبی از قبیل تلمیح، تضاد، موازنه و مراعات نظیر، از بسامد بالایی برخوردارند و شاعر به وفور از آن‌ها استفاده نموده است.

ویژگی‌های ساختاری سروده‌ها

قصیده: معمول‌ترین قالب شعری «شگرف‌نامه»، قصیده است. سیزده سروده از مجموع ۳۴ سروده دیوان، در این قالب سروده شده است. کوتاه‌ترین قصیده، مدیحه‌ای چهارده بیتی، در مدح حجة الاسلام شفتی است با مطلع:

گل نو رسته ممتاز از این گلچین است / کز شعاع رخ او کشور دین رنگین است (۵۲۱)

و بلندترین قصیده، قصیده‌ای هشتاد بیتی است، در مدح محمد شاه قاجار با مطلع:

ای معنبر زلف دلبر وی معطر جعد یار / عنبرستی تنگ تنگ و لادنستی بار بار (۶۳۷)

موضوع قصاید، حمد و ستایش پروردگار، نعت پیامبر، و منقبت حضرت علی(ع) و مدح ممدوحان است. ارکان قصیده (تغزل، تخلص، مدح و شریطه)، فقط در چهار قصیده به طور کامل رعایت شده است؛ یکی

هلال، شاعری از دیار کاشان / لطیفه لطفی

در قصیده‌ای در مدح امیرالمؤمنین (ع) با مطلع:

ای به رخ شک مه و مهر منیر
وی به غیرت از خطت مشک و عبیر (۷۱۷)
و سه قصیده دیگر که در مدح محمد شاه قاجار سروده شده است. در بقیه قصاید، تنها تنه اصلی قصیده (مدح) و شریطه به چشم می‌خورد.

شاعر در سرودن قصاید، از بحور مختلف عروضی بهره برده است. وی، تعداد شش قصیده در بحر رمل، سه قصیده در بحر هزج، دو قصیده در بحر مضارع، یک قصیده در بحر خفیف و یک قصیده در بحر متقارب سروده است.

مجموع ابیات قصاید ۵۴۲ بیت است. تعداد شش قصیده از کل قصاید، مردّف و با ردیف‌های راه، آفرینش (در دو قصیده)، است، باشد و می‌رود، است.

مثنوی: بعد از قصیده، مثنوی با دوازده سروده و در مجموع (۴۲۹) بیت، بالاترین بسامد را در قالب‌های شعری شگرف‌نامه به خود اختصاص داده است. کوتاه‌ترین مثنوی دیوان نه بیت و بلندترین آن ۸۶ بیت است. شاعر از این قالب برای موضوعاتی چون حمد و ستایش خداوند، نعت پیامبر اکرم (ص)، مدح، وصف طبیعت، و... با وزن عروضی مفعول مفاعیلن فعولن (بحر هزج مسدس اخرم مقبوض محذوف) استفاده کرده است.

قطعه: تعداد پنج سروده و در مجموع (۱۲۶) بیت شگرف‌نامه در قالب قطعه است. کوتاه‌ترین قطعه هفت بیت و بلندترین آن ۵۸ بیت است. دو قطعه در بحر مضارع، دو قطعه در بحر رمل و یک قطعه در بحر هزج سروده شده است.

غزل: در «شگرف‌نامه» تنها سه غزل به چشم می‌خورد. یک غزل در مدح یار و دو غزل که پیداست قسمت تشبیب دو قصیده است، در وصف زلف است. غزل اول در بحر هزج و دو غزل دیگر در بحر مضارع سروده شده است. غزلیات هلال، خالی از جولان احساس است و بیشتر حالت روایی و وصفی داشته، به قطعۀ مصرعه شبیه است تا به غزل.

رباعی: در سراسر دیوان، تنها یک رباعی به چشم می‌خورد، آن هم در وصف مسجدی که به همت حجة الاسلام شفتی در اصفهان ساخته شده است، و پس از قطعه‌ای که در تاریخ بنای آن سروده، آمده است: بنای قضا چون گل این کعبه سرشت / منشی قدر به طاق ایوانش نوشت (۱۰۹۸)
یک غرفه از این بنا و صد کاخ ارم / یک حجره از این مکان و صد قصر بهشت (۱۰۹۹)

تأثیر شعرای متقدم بر شعر هلال

هلال کاشانی نیز همانند دیگر شعرای دوره بازگشت، در سروده‌های خود از اشعار شاعران متقدم، چه به صورت مستقیم و چه به صورت استفاده از مضمون و محتوای سخن آنان، بهره گرفته است. او در دیباچه «شگرف‌نامه»، با درج بیت یا ابیاتی از اشعار شعرای بزرگ، کلام خود را زینت بخشیده

هلال، شاعری از دیار کاشان/ لطیفه لطفی

است؛ از جمله:

توحیدگوی او نه بنی آدم است و بس
کیست در این دیرگه دیرپای
پری رو تاب مستوری ندارد
هر طایری که زمزمه بر شاخسار کرد(سعدی)^۱
کاو لَمَنْ الْمَلِكُ زَنَدِ جِزِ خُدَایِ(نظامی)^۲
ببندی در، سر از روزن برآرد(جامی)

کلیمی که چرخ فلک طور اوست
یتیمی که ناکرده قرآن درست
همه نورها پرتو نور اوست(سعدی)^۳
کتابخانه هفت‌ملت بشست(سعدی)^۴

گاهی نیز از مضامین اشعار متقدمان بهره گرفته است:

دل فدای تو چون تویی دلبر
دل‌ها به فدای تو دلبر
مرا امید وصل تو زنده می‌دارد
گه زنده کند گهی هلاکم
خاصه سیمرخ کیست جز پدر روستم؟
ناپاک را که نیست کند غیر قهر تو؟
جان نثار تو چون تویی جانان(هاتف)
جان‌ها به نثار تو جانان(هلال)
وگر نه هر دم از هجر توست بیم هلاک(حافظ)
امید وصال و بیم هجران(هلال)
قاتل ضحاک کیست جز پسر آبتین؟(خاقانی)
ضحاک را که کشت به جز پور آبتین؟(هلال)

نتیجه‌گیری

تصحیح «شگرفنامه» ضمن احیای یک نسخه خطی، آشنایی با مؤلف آن و ارائه خدمتی به دوستداران زبان و ادب فارسی، دستاوردهای ذیل را همراه داشت:

هلال کاشانی یکی از شعرای شیعه مذهب قرن سیزدهم هجری و شاعری مدیحه‌سراست. موضوعات شعری از قبیل بهاریه، وصف می و معشوق و ستایش خرد در دیوان او به چشم می‌خورد، اما چنین به نظر می‌رسد که شاعر تمام مهارت و اطلاعات خود را در خدمت مدح به کار گرفته است. او در مدح، قالب قصیده را که قالب رایج برای سرودن این قبیل موضوعات است به خدمت گرفته و از قالب مثنوی و قطعه نیز برای این منظور بهره برده است.

۱. سعدی، مصلح بن عبدالله، کلیات سعدی، تصحیح حسین استاد ولی و بهاء‌الدین اسکندری، تهران: قدیانی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹۶.

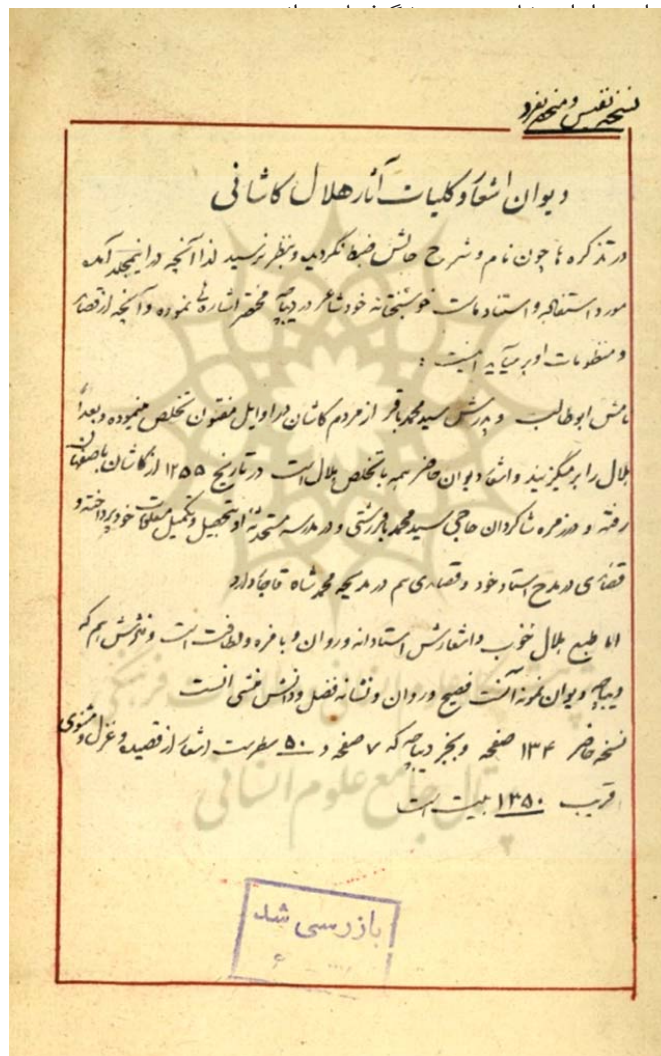
۲. نظامی، الیاس بن یوسف؛ کلیات خمسه حکیم نظامی گنجه‌ای، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۱۱.

۳. سعدی، همان، ص ۲۳۳.

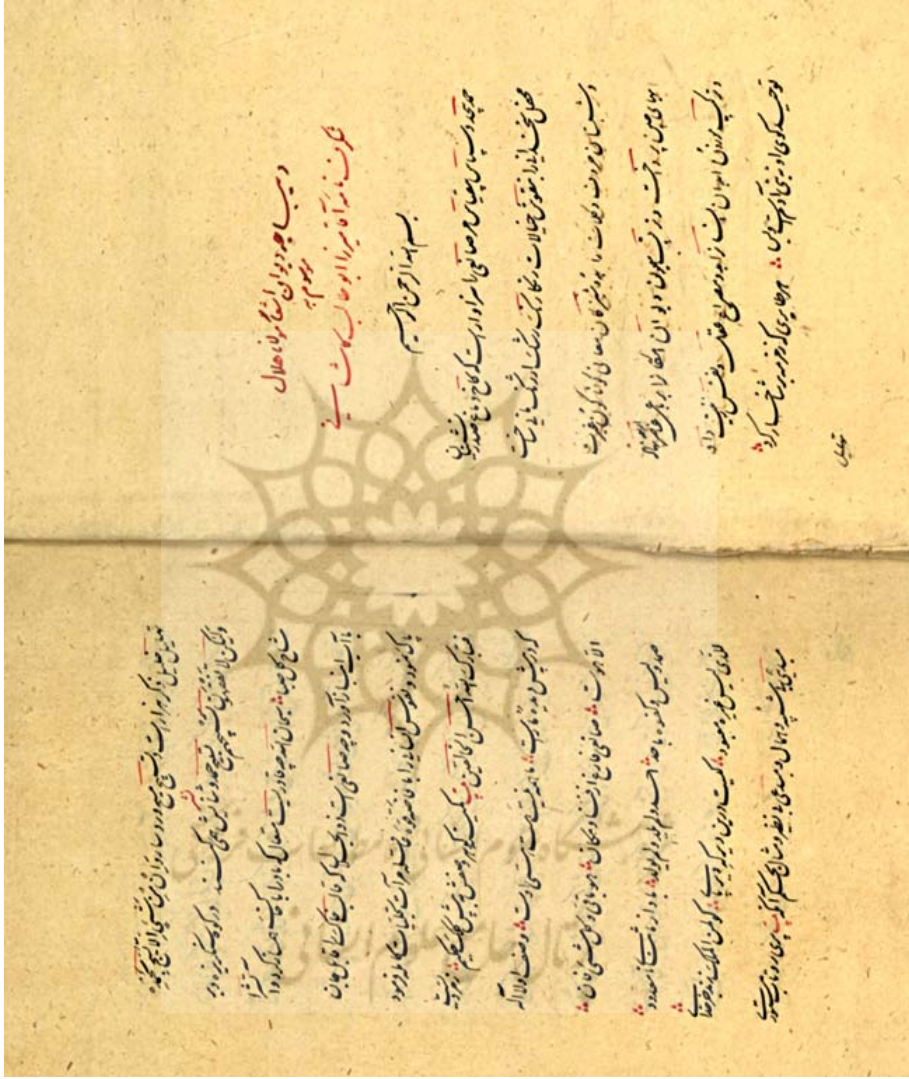
۴. همان.

هلال، شاعری از دیار کاشان / لطیفه لطفی

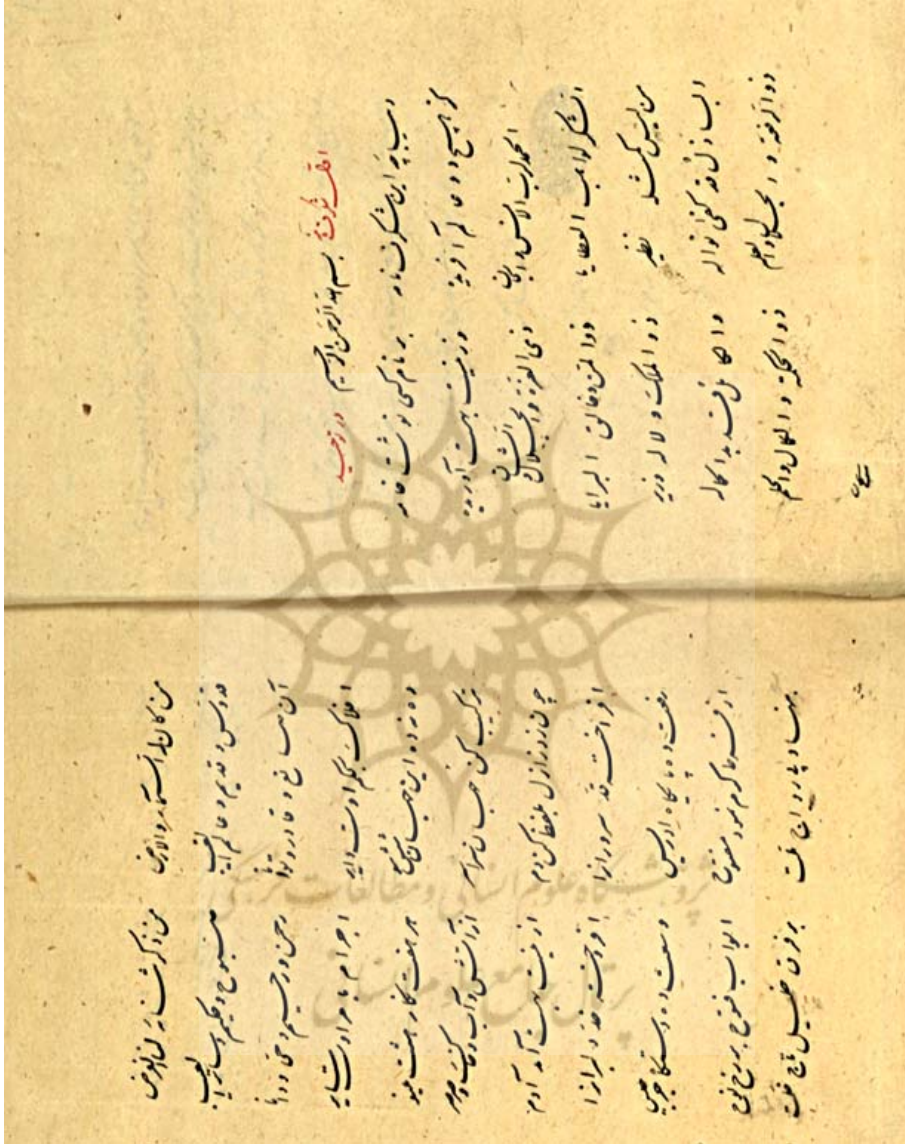
مدایح او مشحون از مبالغه و اغراق است و مضمون و محتوای مبالغه‌های او غالباً تکرار مضامین پیشینیان است، اما مهارت او در گزینش واژگان، بازی با کلمات، استفاده از کلمات فاخر و نشانیدن هر کلمه به جای خود، به کلام او جذابی می‌بخشد که نه تنها خواننده را دچار ملال نمی‌سازد، حس تحسین او را نیز برمی‌انگیزد. اشراف او به دایرهٔ واژگان فارسی و عربی و برخورداری اثر او از ویژگی‌های سطح زبانی، نحوی و ادبی، از خصوصیات سبکی شعر اوست. هلال در سرودن «شگرف‌نامه»، به اشعار شعرای طراز اول، از رودکی گرفته تا شاعر هم عصر خویش، هاتف اصفهانی نظر داشته، به صورت‌های مختلف از شعر آنان تقلید نموده



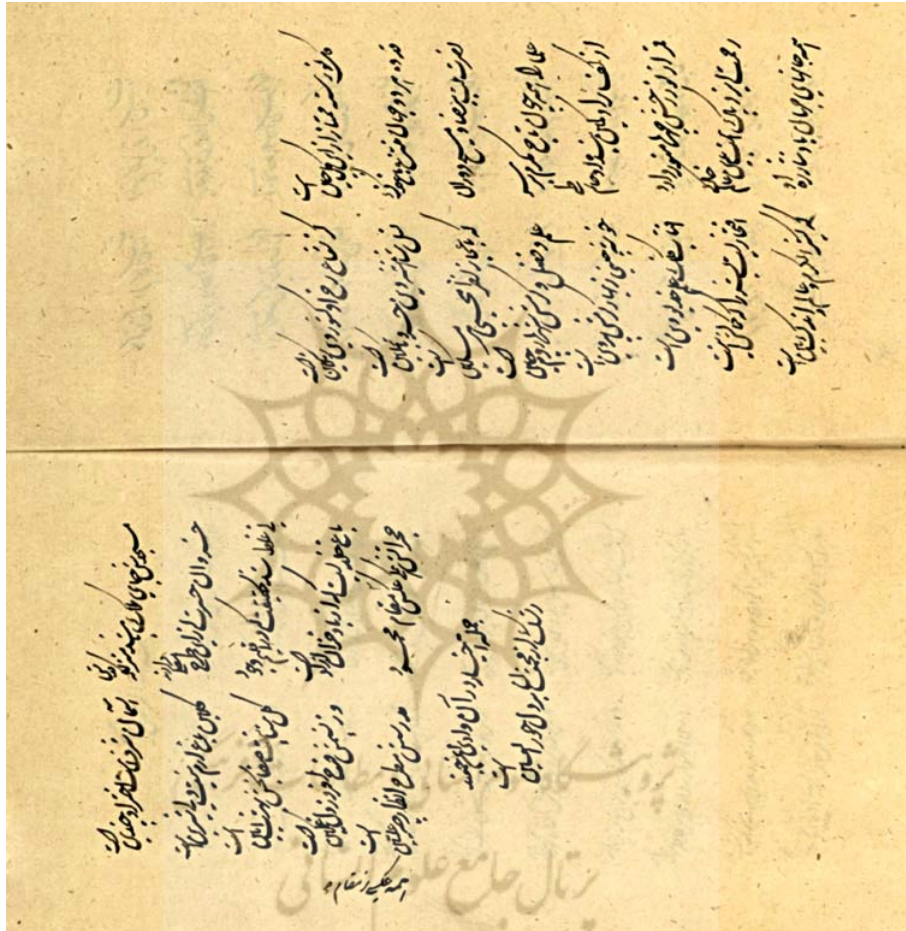
تصویر صفحه پشت جلد و توضیح کاتب در باره نسخه



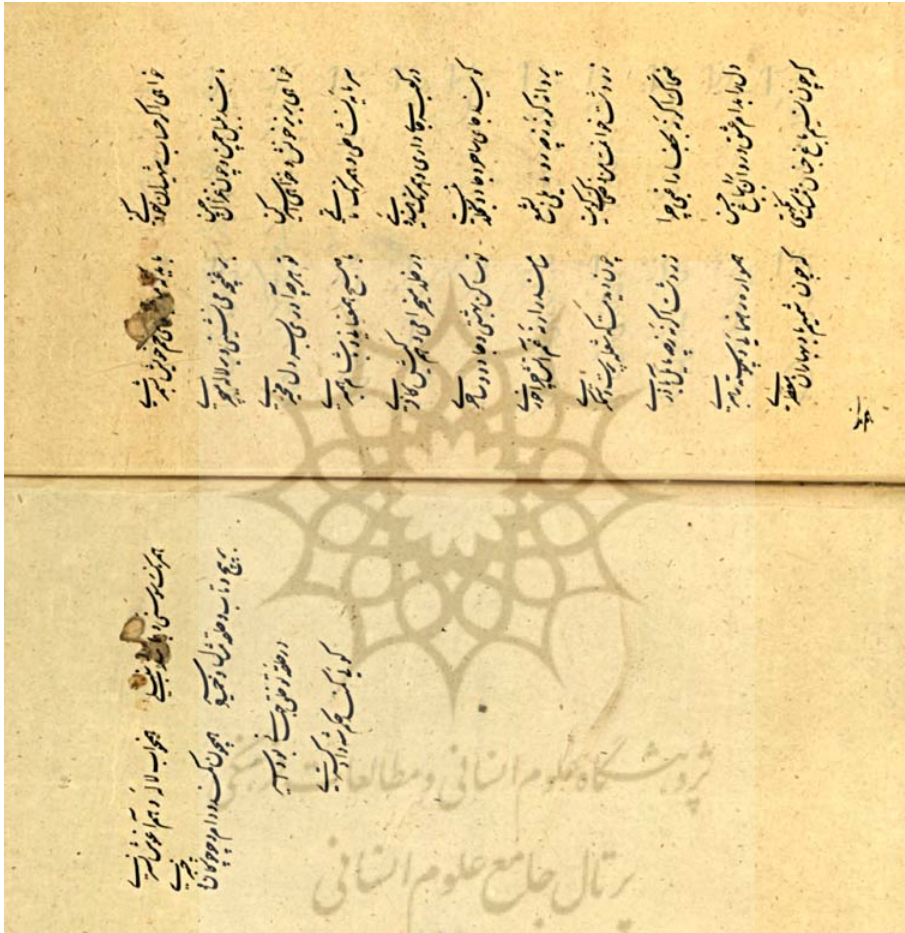
تصویر صفحه اول و دوم دیباچه



تحمیدیه» تصویر صفحه اول سروده‌ها



تصویر سروده صفحه ۱۰۱ و ۱۰۲ که کتابت آن با کتابت کل نسخه تفاوت دارد.



خوابی که خوابت نماند که
 دست بر زمین چون خاک آن
 خوابی بر خوشی خاکش کن
 سرایت می دهد هر که
 در کسب کارهای دیگر کن
 کسب بهی راه هر دو آنگونه
 پروا که زنده بود و بی شمع
 زودت خوابت نماند که
 شمع که ز نجف را نمی خوا
 دل با او مشوق در این عالم
 کوهن نسیم باغ جان زلفی
 خوابی که خوابت نماند که
 دست بر زمین چون خاک آن
 خوابی بر خوشی خاکش کن
 سرایت می دهد هر که
 در کسب کارهای دیگر کن
 کسب بهی راه هر دو آنگونه
 پروا که زنده بود و بی شمع
 زودت خوابت نماند که
 شمع که ز نجف را نمی خوا
 دل با او مشوق در این عالم
 کوهن نسیم باغ جان زلفی

هر که بکشد از خواب
 هیچ خواب و غم و دل و جسم
 در خواب تو غم و دل و جسم
 کو بکشد که از خواب
 خواب از او غم و دل و جسم
 هیچ خواب و غم و دل و جسم

پروین گاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
 رتال جامع علوم انسانی

تصویر صفحه آخر نسخه